

دوستی خدا با جوان

حجت محقق

پروردگار جهانیان، تمام بندگان خود را دوست می دارد. نشانه های فراوانی از این دوستی پایدار، در قرآن مجید به چشم می خورد. قرآن، با بیان این که خداوند نیکوکاران و توبه کنندگان و پارسایان را دوست می دارد، این حقیقت را به خوبی روشن کرده است. اما در عین حال، نسبت به جوانان، به دلیل جایگاه خاصی - که در جامعه دارند - دوستی و علاقه دیگری دارد.

خداوند، جوانان را به دلیل جوانی، دوست داشته و احترام می کند. محمد بن سلیمان، از پدرش چنین نقل کرده: نزد امام صادق (ع) بودم که ابوبصیر وارد شد، درحالی که نفس های عمیقی می کشید، نشست. امام به او فرمود: علت نفس بلند و عمیقی که کشیدی، چیست؟

گفت: ای فرزند رسول خدا، سن من بالا رفته و استخوان هایم کوبیده گشته و مرگم فرا رسیده. حال نمی دانم که سرنوشت آخرتم چگونه خواهد شد! امام فرمود: ای ابا محمد! تو چنین می گویی؟! گفت: فدایت شوم، چرا چنین نگوییم؟

امام فرمود: ای ابا محمد! آیا نمی دانی که خداوند متعال، جوانان شما را اکرام می کند و از بزرگ سالان شرم و حیا دارد؟

ابوبصیر گفت: فدایت شوم، چگونه خدا جوانان را اکرام کرده و از بزرگ سالان و پیرمردان شرم می کند؟

حضرت فرمود: خداوند، جوانان را به احترام جوانی عذاب نخواهد کرد و از پیرمردان شرم دارد و آن ها را حسابرسی نمی کند. از این رو است که خداوند تمام پیامبران را در جوانی به پیامبری برانگیخت. به خاطر همین دوستی است که تمام بهشتیان، جوان خواهند بود. قرآن در روز محشر، به صورت جوانی

آشکار می شود. و به همین جهت است که اصحاب کهف، با این که بزرگ سال بودند، قرآن، آنان را جوان می شناساند. و امام زمان (عج) نیز، در چهره یک جوان ظاهر شده و یارانش، همه جوان هستند. و سرانجام، ملک الموت در چهره جوانی سفید روی خواهد آمد.

آری، کمال بی انصافی است که جوان بداند، خداوند چه قدر او را دوست دارد و به او مهر و محبت می ورزد، اما او با انجام دادن گناه در محضر خالق، راه دوستی خود و خدا را بر خود ببندد.